

پاسخ به شبهات تاریخی اربعین

۱۲/۰۹/۱۳۹۳.

چرا در مورد اربعین حسینی اختلاف فاحشی وجود دارد؟ برخی می‌پذیرند، برخی در زمان آن اختلاف دارند و برخی دیگر اصل آن را انکار می‌کنند؛ در حالیکه برخی از احادیث بدان و ارزش آن اشاره دارد و حتی زیارتی به این عنوان نیز روایت شده است؟ این اختلافات چگونه قابل توجیه است؟

پاسخ:

اینکه برخی اصل اربعین را انکار کنند، چنین نیست و عمده اختلافی که وجود دارد، این است که اهل بیت علیهم السلام، در اربعین سال ۶۱ - یعنی بیستم ماه صفر - در کربلا بودند، و یا اربعین سال ۶۲؟ اقوال متعددی است که به اختصار نقل می‌کنیم:

۱. اهل بیت علیهم السلام در همان سال ۶۱ و بعد از مراجعت از شام، روز بیستم صفر به کربلا وارد شدند. این قول تاریخ حبیب السیر، آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، الملهوف سید بن طاووس و مثیر الاحزان ابن‌نما و نیز بعضی دیگر است.

۲. اهل بیت علیهم السلام قبل از رفتن به شام، روز بیستم صفر از کربلا عبور کرده‌اند؛ که قول ناسخ التواریخ است و احتمال بعیدی به نظر می‌رسد.

۳. اهل بیت علیهم السلام در سال ۶۲، یعنی یکسال بعد، در روز بیستم صفر به کربلا آمده‌اند. در قمعام زخام می‌خوانیم: ورود اهل بیت علیهم السلام در اربعین سال ۶۱ مشکل، بلکه خلاف عقل است؛ زیرا امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به شهادت رسید و عمرسعد برای دفن کشتگان خود در آنجا توقف و روز یازدهم به کوفه حرکت کرد. چند روز هم در کوفه معطل ماندند. سپس از یزید دستور رسید که اهل حرم را به دمشق اعزام دارد؛ که عبیدالله از راه حران و جزیره و حلب کاروان را به شام فرستاد که مسافت دوری است. به روایتی تا شش ماه اهل بیت علیهم السلام را نگهداشتند تا آتش غضب یزید خاموش شد. بعد از مطمئن شدن از عدم شورش مردم، یزید موافقت کرد که امام سجاد علیه السلام به مدینه بازگردد و اینهمه وقایع نمی‌تواند در چهل روز صورت گرفته باشد. پس قطعاً سال ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا، در سال ۶۲ بوده است.^۱

لکن از این مقدمات نمی‌توان نتیجه گرفت که اهل بیت علیهم السلام، در سال ۶۲ به کربلا آمده‌اند؛ زیرا نگهداشتن اهل بیت علیهم السلام در کوفه به مدت زیاد، قطعی نیست. با توجه به اینکه عده‌ی زیادی ورود اهل بیت علیهم السلام را در روز اول صفر ذکر کرده‌اند. مضاف بر اینکه مرحوم شهید قاضی طباطبائی رضی الله عنه در کتاب خود^۲ تمام ایرادات مبنی بر آمدن اهل بیت علیهم السلام در سال ۶۱ را پاسخ داده است. بنابراین به صرف استبعاد نمی‌توان به نتیجه‌ی قطعی رسید و آمدن اهل بیت علیهم السلام را به کربلا در اربعین اول انکار کرد.

اهل بیت علیهم السلام در همان سال ۶۱ و بعد از مراجعت از شام، روز بیستم صفر به کربلا وارد شدند. این قول تاریخ حبیب السیر، آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، الملهوف سید بن طاووس و مثیر الاحزان ابن‌نما و نیز بعضی دیگر است

۴. اهل بیت علیهم السلام ابتداً به مدینه رفته و از مدینه عازم کربلا شدند و سر مقدس امام را نیز در این سفر با خود داشتند؛ اما نه در اربعین سال ۶۱، بلکه پس از مراجعت به مدینه، عازم کربلا شدند. ابن‌جوزی از هشام و بعضی دیگر نقل کرده است که: سر مقدس امام حسین علیه السلام با اسیران به مدینه آورده شد و سپس به کربلا حمل گردیده و به بدن امام ملحق شده است.^۳ ولی در این نقل نیامده است که سر مقدس امام توسط چه کسی به کربلا حمل شده و آیا اهل بیت علیهم السلام همراه سر مقدس به کربلا آمده‌اند یا تنها سرها به کربلا فرستاده شده و به بدنها ملحق شده است؟

برخی هم گفته‌اند که امکان دارد اهل بیت علیهم السلام اول به مدینه رفته و بعد به کربلا آمده باشند، ولی نه در روز بیستم صفر، که اربعین باشد؛ زیرا جابر بن عبدالله انصاری هم از حجاز آمده بود و رسیدن خبر به حجاز و حرکت جابر از آنجا، قهراً زمانی بیش از چهل روز را می‌طلبد؛ مگر اینکه بگویم جابر از مدینه نیامده و از کوفه و یا شهر دیگری عازم کربلا شده بود.^۴ که این قول با تصریح بزرگانی چون ابن‌طاووس، ابن‌نما، شیخ بهائی و عده‌ی دیگری که آمدن جابر را در روز اربعین و بیستم صفر می‌دانند، منافات دارد.

با این مقدمات، قول بهتر آن است که اهل بیت علیهم السلام در همان سال ۶۱ پس از مراجعت از شام و روز بیستم صفر به کربلا وارد شدند.^۵

در مورد زیارت اربعین نیز باید گفت: اربعین چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش است و گرامیداشت خاطره‌ی شهید و احیاء اربعین وی، زنده نگهداشتن نام و یاد و راه اوست، و زیارت یکی از راههای یاد و احیاء خاطره است. زیارت امام حسین بویژه در روز بیستم ماه صفر که اربعین آن حضرت است، فضیلت بسیار دارد. متن زیارت اربعین از طریق صفوان جمال از امام صادق علیه السلام روایت شده است. زیارت دیگری نیز هست که جابر بن عبدالله انصاری در این روز خوانده است و متن زیارت بعنوان زیارتنامه‌ی آن امام، در نیمه‌ی ماه رجب نقل شده است.^۶

خلاصه ی اشکالات پیرامون اربعین سال ۶۱ و پاسخ بدانها

ما بجز کتاب مرحوم شهید قاضی طباطبائی رضی الله عنه، اثر دیگری که پیرامون اربعین حسینی مستقلا نگارش شده و تفصیلا جواب آن را بررسی کند، نیافتیم و لذا با توجه به دلایل مستند و متعدد آن شهید بزرگوار، کتاب ایشان را مبنای بررسی اربعین قرار دادیم.

شهید قاضی طباطبائی رضی الله عنه در کتاب خود که پیرامون اربعین نگاشته است، مفصلا اشکالاتی را که پیرامون این موضوع - آمدن اهل بیت علیهم السلام در بیستم ماه صفر سال ۶۱ هجری - مطرح شده را پاسخ گفته‌اند؛ بعنوان نمونه ثابت می‌کنند قولی که اهل بیت علیهم السلام یک ماه در شام مانده باشند و بعد راهی کربلا شده باشند، - انطور که برخی بر این گمانند - مدرکی ندارد و صحیح نیست؛ چرا که نه ناقل آن و نه روایت آن مشخص نیستند و سید ابن طاووس رضی الله عنه در اقبال آنرا فقط نقل کرده، منتها نه بطور مشخص، بلکه به شکل احتمال بیان شده و لذا قابل استناد و اعتماد نیست.^۷

اربعین چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش است و گرامیداشت خاطره‌ی شهید و احیاء اربعین وی، زنده نگهداشتن نام و یاد و راه اوست، و زیارت یکی از راههای یاد و احیاء خاطره است. زیارت امام حسین بویژه در روز بیستم ماه صفر که اربعین آن حضرت است، فضیلت بسیار دارد

دلایلی برای نفی اربعین در سال ۶۱ هجری گفته‌اند و عمده‌ی آنها را محدث حاج میرزا حسین نوری رضی الله عنه در کتاب لؤلؤ مرجان آورده است؛ که پاسخ آنها را مرحوم شهید آیت الله قاضی طباطبائی رضی الله عنه بطور مفصل بیان می‌کنند، که برای نمونه با اختصار مواردی را ذکر می‌کنیم:

مسافت طولانی و زمان اندک ناسازگار است.

پاسخ:

عمده دلیلی که برای نفی اربعین در سال ۶۱ ذکر می‌کنند، همین مسأله است. به نظر آقای قاضی رضی الله عنه شواهدی بر طول کشیدن راه طی شده از شام به عراق نداریم و بلکه خلاف این ادعا ثابت است. ایشان در کتاب خود ثابت می‌کنند که در ظرف یک هفته از شام به عراق و کوفه می‌آمدند و قاصد در مدت یک هفته از عراق به مدینه و بالعکس طی مسیر می‌کرده است؛ که نمونه‌ی آن شواهد را بعضا نقل می‌کنیم:

أ: روایت هارون الرشید عباسی که هلال ماه ذی‌الحجه را در عراق می‌دید و خود را جهت انجام اعمال حج به مکه می‌رساند.^۸

ب: روایتی که شیخ مفید رضی الله عنه نقل کرده مبنی بر اینکه خیران اسباطی به خدمت امام هادی علیه السلام آمد. خود به امام می‌گوید که فاصله‌ی آمدن من از عراق به مدینه، ده روز بوده است.^۹

ج: روایتی که آمدن مالک اشتر از مدینه به کوفه را ذکر کرده است؛ که در کمتر از مدت ده روز صورت گرفته است.^{۱۰}

د: روایتی از یحیی بن هرثمه نقل شده است که می‌گوید: میان ما و عراق ده روز فاصله است.^{۱۱}

و: روایتی که جنگ دوران ابوبکر با رومیان را نقل می‌کند؛ که خالد بن ولید با آنهمه لشکر، در ظرف هشت روز خود را به مسلمین در جبهه‌ی جنگ با روم رسانید.^{۱۲}

ه: در قرة العین نقل است که مروان، عامر بن ربیع را با ۱۰۰۰۰۰ نفر از شام، برای جنگ با مختار حرکت داد و عامر و لشکریانش در مدت ده روز به کوفه رسیدند.^{۱۳}

ر: جریان رسیدن خیر مرگ معاویه بن ابوسفیان به میثم تمار در روز جمعه در شط فرات؛ که گفته شده روز جمعه‌ی گذشته یعنی هشت روز قبل، این واقعه رخ داده و معلوم است که قاصد این خبر، از مدینه به عراق و کوفه می‌آمده است. " ۱۴. "

موارد فوق اندک روایاتی بود که در اثبات آمدن اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا در مدت ده روز یا کمتر صورت گرفته و این قول که بیستم ماه صفر در کربلا بوده‌اند و این واقعه در همان سال ۶۱ رخ داده است، ثابت می‌شود.

برخی از مورخین اشاره ای به اربعین اول نکرده اند

برخی مورخین در مقاتل اشاره به قصه آمدن اسراء به کربلا در اربعین اول نکرده اند، من جمله شیخ مفید رضی الله عنه.

پاسخ:

اولا واضح است که اگر کسی مطلبی را نقل نکرد، دلیل بر عدم وقوع آن نیست.

ثانیا و نیز اگر نکرده‌اند، دلیل بر انکار اربعین در سال ۶۱ نیست.^{۱۵}

جابر بن عبدالله انصاری اهل بیت را در آن روز درک نکرده است

اینکه بنابر نقل کتاب «بشارة المصطفی» از عماد الدین ابوالقاسم طبر آملی، جابر بن عبدالله انصاری اهل بیت علیهم السلام را در آن روز درک نکرده است.

پاسخ:

نسخه‌ی آن کتاب که از بشارة المصطفی این قول نقل شده است، ناقص بوده و مورد اعتماد نیست. دیگر آنکه، بسیاری از مقاتل آن را ذکر کرده‌اند و از مشهورات واقعه‌ی کربلاست و با نقل یک مقتل، نمی‌توان آن را

رد نمود.^{۱۶}

عبور اهل بیت از کوفه به شام، از راه سلطانی بوده است

عبور اهل بیت از کوفه به شام، از راه سلطانی بوده است؛ یعنی آنان از راه تکریت، موصل، نصیبین و حلب رد شده‌اند؛ لذا مدت بسیاری طول می‌کشیده تا به شام برسند.

پاسخ:

این قول نیز مورد قبول و اعتنا نیست؛ چرا که بر خلاف بسیاری از نقلهای دیگر است که در مقاتل و اسناد تاریخی آمده است.^{۱۷}

با وجود امام سجاد، چرا جابر اولین زائر اربعین شمرده شده است.

اگر جابر و امام سجاد علیه السلام در یک زمان به کربلا رسیده‌اند، پس چرا جابر اولین زائر شمرده شده است و حالیکه امام سجاد علیه السلام منزلتی از او دارد.

پاسخ:

ممکن است جابر قبل از آمدن اهل بیت علیهم السلام و کاروان اسراء به زیارت رفته باشد و بعد از زیارت او و همراهانش - غلامش و عطیه - کاروان رسیده باشد.^{۱۸}

یزید، نعمان را مأمور رساندن اهل بیت علیهم السلام کرد و برای جلوگیری از رسوایی بیشتر خود، گفته بود که ملاحظه‌ی آنان را بکند و به درخواستهای آنان پاسخ دهد و از اذیت و آزار آنها خودداری نماید و این نقل معروف و مشهور مورخین است

یزید اجازه ی رفتن اهل بیت به کربلا را نداد

یزید اجازه نمی‌داد کاروان اسراء به راحتی به کربلا بروند و در رفتن به مدینه تأخیر داشته باشند.

پاسخ:

یزید، نعمان را مأمور رساندن اهل بیت علیهم السلام کرد و برای جلوگیری از رسوایی بیشتر خود، گفته بود که ملاحظه‌ی آنان را بکند و به درخواستهای آنان پاسخ دهد و از اذیت و آزار آنها خودداری نماید و این نقل معروف و مشهور مورخین است.^{۱۹}

این اشکالات و پاسخها و مواردی دیگر از اشکالات، بطور مفصل در کتاب مرحوم شهید قاضی طباطبائی رضی الله عنه مطرح و پاسخ داده شده است؛ که مجال آوردن تمامی آن موارد در این نوشتار نیست.^{۲۰}

منبع: بر ساحل عاشورا، تالیف هادی قطبی

برگرفته از سایت تبیان

پاورقی‌ها:

- ۱- قمقام زخام، ص ۵۸۶
- ۲- تحقیق درباره‌ی اول اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام
- ۳- تذکرة الخواص، ص ۱۵۰
- ۴- قمقام زخام، ص ۵۸۶
- ۵- قصه‌ی کربلا، ص ۵۲۷
- ۶- مفاتیح الجنان
- ۷- تحقیق درباره‌ی اول اربعین سیدالشهداء علیه السلام، ص ۴۵
- ۸- همان، ص ۴۵
- ۹- ارشاد شیخ مفید، ص ۳۴۵؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۴۸ و ۴۹
- ۱۰- تحقیق درباره‌ی اول اربعین سیدالشهداء علیه السلام، ص ۵۰
- ۱۱- الخرائج و الجرائح، ص ۲۰۹؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۵۴
- ۱۲- تاریخ یعقوبی ج ۲، ص ۱۱۲؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۵۷
- ۱۳- قره‌العین، ص ۱۲۷؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۲۸
- ۱۴- تنقیح المقال ج ۳، ص ۲۶۲؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۳۵
- ۱۵- تحقیق درباره‌ی اول اربعین سیدالشهداء علیه السلام، ص ۱۵۳
- ۱۶- همان، ص ۱۸۱
- ۱۷- همان، ص ۲۲۱
- ۱۸- همان، ص ۲۷۵
- ۱۹- همان، ص ۲۷۷
- ۲۰- همان از صفحات ۱۵۰ الی ۲۷۷